

گزارشهای کمیته منع تبعیض علیه زنان در خصوص مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلام‌محور؛ ترجمه و تحلیل مختصر آن

• بیژن عباسی

دانشیار گروه حقوق عمومی دانشگاه تهران

babbasi@ut.ac.ir

• سید مجتبی حسینی الموسوی

کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی و دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران
(نویسنده مسئول)

smh.almousavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۴

چکیده

زنان در برهه‌ای از تاریخ از حق مشارکت سیاسی در جوامع گوناگون محروم بوده‌اند. متأسفانه این تبعیض ناروا که ریشه در تفکر فیلسوفان سیاسی مغرب زمین داشت، تا اواسط قرن نوزدهم در کشورهای مدعی دموکراسی و حقوق بشر ادامه یافت. اسناد حقوق بشر با درک نابسامانی اوضاع، تلاش نمود حق سیاسی زنان را به طور مستقیم و غیر مستقیم احیا کند که مهم‌ترین اقدام آن، تدوین کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان است. دین مبین اسلام از ابتدا این حق را برای زنان به رسمیت شناخته بود، اما با توجه به تحولات روزافزون دنیا، نحوه مشارکت سیاسی آنان تغییر کرد. بنابراین، ضروری است که نحوه عملکرد کشورهای اسلامی با توجه به معیارهای بین‌المللی امروزی سنجیده شود که گزارشهای ارائه شده به کمیته منع تبعیض علیه زنان منبع خوبی در این زمینه است.

کلیدواژه‌ها: زن، مشارکت سیاسی، حقوق بشر، کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، کشورهای اسلامی، فمینیست.



۱۴

گزارشهای کمیته منع تبعیض علیه زنان در خصوص مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی عضو؛ ترجمه و تحلیل مختصر آن



مقدمه

تاریخ بشر شاهد جلوه‌های مختلفی از تبعیض علیه زنان در امور مدنی، سیاسی، اجتماعی و ... است. علت و چرایی متفاوت انگاشتن زنان از مردان در موضوعاتی که به سرنوشت کلی جامعه مربوط می‌شود، چیست؟ یکی از مهم‌ترین دلایل نگاه ناعادلانه به زنان، در متون ادیان ابراهیمی پیش از اسلام آمده که به طور کاملاً جانب‌دارانه جایگاه زن را در برابر مرد مخدوش نموده و او را مطیع و پیرو مرد قرار داده است.^۱

جوامع اروپایی بعد از اتمام قرون وسطی و هم‌زمان با شروع دوران نوزایی و رهایی یافتن از سلطه عقاید کلیسا که یافته‌های خود را مسلم و غیر قابل تردید می‌دانست، در بسیاری از عرصه‌ها، مذهب را کنار گذاشتند، ولی تا مدتها نتوانستند از سنت دینی رایج درباره زنان دست بکشند. البته سبب پایداری و تداوم این وضعیت تبعیض‌آمیز، تنها دین نبود، بلکه آداب و رسوم سنتی هم نقش بسزایی در آن ایفا می‌نمود، به طوری که برهم زدن این قالب که قدمت چندین ساله داشت، به راحتی میسر نبود.^۲ برخی از متفکران علاوه بر دو عامل فوق، ندادن آموزش خوب و مناسب به زنان و تلقی‌ای را که جامعه از سعادت زن در محیط خانواده و ایفای نقش مادری داشت، به نقد کشیده و آن را محصول قوانین طبیعی بشر نمی‌دانند.^۳

انقلاب کبیر فرانسه تحول بزرگی در باور و اندیشه مردم نسبت به حقوق خود در برابر حکومت و زمامداران ایجاد کرد. اولی‌مپ دوگوژ فرانسوی بعد از انقلاب کبیر فرانسه، برای اولین بار در اعلامیه خود از حقوق زن به ویژه در عرصه سیاست سخن راند، اما حوادثی که بعد از این انقلاب رخ داد، بسیاری از امیدها را به یأس مبدل ساخت.^۴

نهضت رسیدن به حق سیاسی برابر با مردان را باید

در جنبش لغو نظام برده‌داری جستجو کرد؛ زیرا زنان در لوای این جنبش توانستند خواسته‌های خود را در زمینه مشارکت در امور سیاسی بیان کنند. از این رو در نهمین کنفرانسی که علیه برده‌داری زنان آمریکایی برگزار گردید، به این موضوع توجه خاصی شد، به طوری که ۱۰ سال بعد فردریک داگلاس یکی از رهبران مبارزه با برده‌داری در سر مقاله‌ی خود نوشت: «ما اعتقاد خود را در این مورد بیان می‌کنیم که همه حقوق سیاسی که اعمال آن برای مردان جایز است، برای زنان نیز جایز می‌باشد. همه ویژگی‌هایی که مرد را به عنوان موجودی خردمند و مسئول متمایز می‌سازد، در مورد زن نیز صدق می‌کنند».^۵

نکته حائز اهمیت در این مبارزه، این است که در آن زمان دنیای غرب ضرورت لغو نظام برده‌داری را به خوبی درک کرده بود و آن را مهم‌تر از رفع تبعیض علیه زنان در عرصه‌های گوناگون به ویژه سیاست می‌دانست. برای مثال در نوشته ذیل وضعیت زنان در مواجهه با اقتدارگرایانی که خواستار اعطای حقوق ناچیز به آنان بودند، به روشنی بیان شده است: «نمایندگان (مرد) مجلس قوانینی درباره حبس و آزادی موقت زنان هوادار حق رأی تصویب می‌کردند که جنبش نتواند با مرگ افراد بر اثر اعتصاب غذا در زندان، صاحب شهید شود؛ مردان چماق‌دار زنانی را که در صدد تقدیم عریضه به نخست وزیر برمی‌آمدند، کتک می‌زدند».^۶

به نظر فمینیستها آنچه بیشتر از هر مورد دیگری موجب عقب‌ماندگی زنان در امور کشورداری شده است و باید هرچه سریع‌تر رفع شود، تقسیم‌بندی جامعه به دو محیط خصوصی و اجتماعی و حاکمیت اخلاق مردانه در عرصه سیاست است.^۷

در واقع، انتقاد از این دو محیط، واکنشی به طرز تفکر فیلسوفان بزرگی مانند ارسطو، هابز، لاک و روسو بود

۵. از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم، ص ۶۲.

۶. جامعه شناسی زنان، ص ۲۶۱.

۷. "Global feminism & women's citizenship in Muslim world", pp.3-6.

1. "women in Islam versus women in the Judeo-Christian traditional", pp.2&3.

2. *Feminism in Islam*, p.3.

۳. نقد و نظر درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی، صص ۳۸-۴۴.

۴. عصر روشنگری، ص ۹۵.



۲. بیشترین نقض حقوق زنان، در محیطهای خصوصی اتفاق می‌افتد، حال آنکه نظام بین‌الملل حقوق بشر هیچ سازوکاری برای نظارت بر آن ندارد.^{۱۲}

۳. نهادهای حقوقی برخلاف ادعاهایشان در حمایت از حقوق زنان، ناکارآمد بوده و متناقض عمل کرده‌اند.^{۱۳}

۴. اغلب اسناد حقوق بشر به ویژه در حوزه مربوط به زنان بر مبنای اندیشه و فرهنگ غربی بنا شده و به دیگر فرهنگها توجهی نشده است. به عبارت دیگر، علایق زنان ملل دیگر به خصوص فرهنگ مشرق زمین مغفول مانده است.^{۱۴}

کمیسیون وضعیت زنان در سال ۱۹۷۲م مسئله تهیه یک پیمان‌نامه الزام‌آور را که همه جوانب و مسائل زنان را در نظر بگیرد، با همکاری و حمایت کشورهای عضو مطرح نمود و در سومین جلسه این کمیسیون، مفاد پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان آماده شد و سرانجام در سال ۱۹۷۹م با ۱۳۰ رأی موافق و ۱۰ رأی ممتنع در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و از سال ۱۹۸۱م اجرای آن الزامی گردید.^{۱۵}

با توجه به نقش زنان در فرایند مشارکت سیاسی در سنت نبوی، نحوه عملکرد کشورهای اسلامی عضو کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، با در نظر گرفتن معیارهای بین‌المللی در این رابطه چگونه است؟ مقاله حاضر سعی دارد به این پرسش پاسخ دهد.

مشارکت سیاسی^{۱۶} زن در اسلام

زنان مسلمان برخلاف گذشتگان خود، در حکومتی که حضرت محمد(ص) در شبه جزیره عربستان تشکیل داده بود، حضور مستمر و نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند. به همین دلیل، خداوند متعال طی فرمانی بعد از فتح

که معتقد بودند: زن و مرد به طور طبیعی باهم تفاوت دارند و مرد ذاتاً عاقل‌تر از زن محسوب می‌شود، بنابراین، مردان مناسب سیاست و زندگی اجتماعی و زنان بیشتر مناسب زندگی عاطفی و احساسی هستند.^۸ سرانجام زنان در نیمه قرن نوزدهم توانستند به حقوق برابر با مردان در زمینه مشارکت سیاسی دست یابند و جنبش فمینیسم از دمیده شدن روح انسان‌گرایی در کالبد جهان خسته از جنگهای خانمان‌سوز اول و دوم، بهره کافی را برد.^۹ نحوه تعامل این مفهوم با نظام بین‌الملل حقوق بشر به سه دوره متفاوت تقسیم می‌شود: در دوره اول پیوند آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌نامه حقوق سیاسی زن می‌توانست دورنمای خوبی را برای پیشبرد حقوق زن نمایان کند، ولی با رسیدن موج دوم که از دهه ۶۰ میلادی شروع شد، شاهد دگرگونی افراطی در باور زنان به سمت تغییر در هر آنچه مربوط به زن است، می‌باشیم که متأسفانه این موج جز آزادی جنسی نتیجه چندانی نداشته است. موج سوم با درک این وضعیت که نگاه افراطی به مسائل زنان نمی‌تواند دریچه‌ای برای حمایت از این جنس در نظام بین‌المللی بشر باز کند، محور فعالیت خود را با اذعان به متفاوت بودن زن و مرد از نظر خلقت، متمرکز نمود، ولی خواستار برابری حقوق آن دو شد که مهم‌ترین نتیجه این نگرش، تصویب کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل متحد بود.^{۱۰}

هرچند حقوق بشر به آرمان فمینیستها در عرصه جهانی عینیت و رسمیت بخشید، اما هواداران این گروه آن را کافی و قانع‌کننده ندانسته و اشکالاتی را بر آن وارد کردند:

۱. حقوق زنان در اسناد بر پایه حقوق مردان پیریزی شده و به هیچ عنوان به علایق و ویژگیهای خاص زنان توجه نشده است.^{۱۱}

۸. فمینیسم، ص ۴۴.

۹. دائرة المعارف دموکراسی، ج ۲، ص ۸۴۳.

10. "the three waves of feminism", pp.3-17.

11. *women's right, human rights: International feminist perspective*, p.103.

12. *International human rights law & domestic violence*, p.80.

13. *Human rights quarterly*, vol.17, p.513; *Public law after the human rights act*, pp.44&45.

14. *The responsibility to protect*, p.61.

15. www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.

۱۶. مشارکت سیاسی به معنی فرصت پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و از شرطهای لازم دموکراسی است (دائرة المعارف دموکراسی، ج ۳، ص ۱۲۴۱).



مکه، اجازه اخذ بیعت از زنان را به طور مستقل به پیامبر اکرم(ص) داد.^{۱۷} فقها با استناد به این آیه و شواهد دیگر، قاعده عدم ولایت غیر و مساوات را استنباط نموده و بر مبنای آن نتیجه گرفتند که خدا زمام امور افراد را به دیگران نسپرد، بلکه همه را آزاد و مستقل آفریده است، بنابراین، حاکم اسلامی نمی‌تواند بدون بیعت یا کسب رضایت از مردم بر مسند حکومت تکیه کند. به‌رغم اختلاف دیدگاه در میان اندیشمندان اسلامی در نحوه تأثیر بیعت بر مشروعیت حکومت اسلامی، آنچه مهم است عدم تبعیض بین زن و مرد در نحوه انتخاب نوع حکومت است. به عبارت دیگر، با توجه به نص صریح قرآن، حاکم اسلامی نمی‌تواند بدون آنکه نظر زنان را کسب نماید، حکومت خود را مقبول تلقی کند.^{۱۸}

یکی از معیارهای ثابت در استنباط احکام در فقه سیاسی، نص‌گرایی می‌باشد. نص‌گرایی یعنی اتکای این دانش بر نص که محوریت در فعالیت علمی می‌باشد. علاوه بر آن، دیگر معیارهای موجود در برداشت حکم سیاسی مانند عقل و عدل نیز ضرورت مشارکت سیاسی زن در اهرم قدرت را اذعان دارند.^{۱۹} اسلام برای مشارکت سیاسی زنان به عنوان یک عضو جامعه مرزی قائل نیست و این امر را منوط به حفظ حرمت و شخصیت زن نموده است. اهتمام اسلام به این امر را می‌توان از محرومیت زن از تصدی منصب قضاوت - به عنوان یکی از شئون حکومتی - به خوبی دریافت کرد، چنانچه فقهای عظام یکی از دلایل آن را منافی بودن آن با منزلت زن دانسته‌اند.^{۲۰} از منظر اسلام، مشارکت زنان در سیاست تا حدی مقبول است که باعث تنزل او در جامعه نشود و به بهانه حق تعیین

سرنوشت، مورد سوء استفاده قرار نگیرد و به جای نقش محوری، به مانورهای مصنوعی و نوعاً نمایشی نپردازد.

مشارکت سیاسی زن از منظر گزارشهای کمیته منع تبعیض علیه زنان

تحولاتی را که دنیای عرب به ویژه در شمال آفریقا در سالهای اخیر پشت سر گذاشته، نمی‌توان در ارتقای مشارکت سیاسی زنان نادیده گرفت، اما پیش از این برخی از محققان بر این باور بودند که نظامهای اقتصادی جوامع مسلمان که مبتنی بر لیبرالیسم پی‌ریزی شده بودند، به آزادی سیاسی منجر خواهند شد و در برابر این اندیشه، حمایت قدرتهای جهانی از حکومتهای خودکامه عرب را به جهت مقابله با موج اسلام‌خواهی، مهم‌ترین دلیل در عدم کامیابی رسیدن به مردم‌سالاری واقعی می‌دانستند.^{۲۱}

این اعتقاد که انجام امور سیاسی، فقط از عهده مردان جامعه برمی‌آید، در کشورهای مسلمان به ویژه اعراب، محوری‌ترین چالشی است که زنان در این جوامع با آن روبه‌رو هستند. به طور مثال در انتخابات سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۶م مجلس ملی کشور بحرین، زنان آشکارا از سوی رقبای مرد خود تهدید می‌شدند، حتی برخی به صراحت اعلام می‌کردند که سیاست، فضای زنانه نیست.^{۲۲} متأسفانه رسانه‌های گروهی نیز نگرشی کاملاً تبعیض‌آمیز نسبت به فعالیت زنان در عرصه سیاست در پیش گرفته بودند و نقش آنان را کم‌رنگ‌تر از مردان به ویژه در اعتراضات خیابانی به نظامهای سیاسی به تصویر می‌کشیدند. با این حال فمینیستهای عرب معتقدند: موج دموکراسی و اسلام‌خواهی و

۱۷. ممتحنه، ۱۲.

۱۸. قواعد فقه سیاسی، صص ۱۴۲-۱۶۹؛ ولایت الامر، صص ۱۱۱-۱۱۳.

۱۹. فقه سیاسی، صص ۹۹-۱۰۵.

۲۰. بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، ج ۶، ص ۴۲۶.

21. "The Role of Women in the Arab World: Toward a new wave of Democratization, or an Ebbing Wave toward Authoritarianism?", p.1.

22. "bahranini women in the 21 century: disputed legacy of unfinished revolution", p.8.



رسیدن به حقوق برابر با مردان در ابتدای راه است.^{۲۳} ۳۳ درصد زنان به فعالیت سیاسی مشغول می‌باشند. در ماده ۷ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان آمده است: دولتهای عضو کنوانسیون وظیفه دارند اقدامات مقتضی برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نمایند و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، حقوق زیر را برای زنان تأمین کنند:

الف) حق رأی دادن در همه انتخابات و همه پرسیهای عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه نهادهایی که با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند.

ب) حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن مشاغل دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی.

ج) حق شرکت در سازمانها و انجمنهای غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور.

اکنون به بررسی عملکرد کشورهای اسلامی^{۲۴} پرداخته می‌شود:

آذربایجان: دولت آذربایجان با اشاره به مواد ۵۵ و ۵۶ قانون اساسی خود اعلام می‌کند که زنان مانند مردان از حق رأی برخوردار می‌باشند و می‌توانند در همه پستیهای سیاسی موجود در آذربایجان، مانند ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و ... خود را به عنوان کاندید معرفی کنند و هیچ‌گونه محدودیتی در راستای احراز مناصب مختلف سیاسی برای آنان از نظر قوانین مربوط به انتخابات وجود ندارد. بر طبق آمار ارائه شده در این گزارش، میزان مشارکت زنان در امور سیاسی بین ۱۷ تا ۶۵ درصد است که به طور میانگین

23. "the role of women in Egyptian 25 January revolution", p.23.

۲۴. فهرست کشورهای اسلامی براساس سایت سازمان همکاری اسلامی (کنفرانس اسلامی) استخراج شده است. برخی از کشورهای اسلامی عضو تاکنون هیچ گزارشی را به این کمیته ارائه نکرده‌اند. این کشورها عبارتند از: افغانستان، امارات متحده عربی، بحرین، بروئی، چاد، قطر، گابون، عمان، مالی و سومالی. برخی از کشورها با وجود ارائه گزارش، در سایت کمیته رفع تبعیض علیه زنان، گزارش آنها موجود نمی‌باشد. این کشورها عبارتند از: سنگال و جیبوتی.

25. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/AZE/2-3, pp.30-33.

26. Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/ALB/1-2, p.33.



محلی می‌داند، اما متأسفانه در گذشته، مشارکت زنان به حدی ضعیف بود که در سال ۱۹۸۹م هیچ زنی نتوانست به عالی‌ترین مرکز تصمیم‌گیری عمومی یعنی مجلس راه یابد. امروزه سازمانهای غیردولتی در این کشور بسیار فعال هستند، به طوری که ۶۸ سازمان با عضویت ۱۲۵۰ نفر در زمینه زنان به ویژه سلامت و وضعیت حقوقی آنان فعالیت می‌کنند.^{۳۱}

ازبکستان: ماده ۴۶ قانون اساسی کشور ازبکستان به صراحت حضور زن در سیاست را به رسمیت شناخته است. به همین منظور، به دستور مستقیم رئیس‌جمهور در سال ۱۹۹۵م یک معاونت جدید در نهاد ریاست جمهوری برای رسیدگی به امور زنان و خانواده ایجاد شده تا به طور اختصاصی مشکلات آنان بررسی و راه حل ارائه شود. حضور زنان در انتخابات محلی دولت در این کشور بسیار چشمگیر است، به طوری که ۷۳۴ زن به عنوان رئیس شورایی به نام مخلیاس^{۳۲} برگزیده شده‌اند.^{۳۳}

بنگلادش: دولت بنگلادش در گزارش خود اعلام می‌کند که زنان این کشور نقش مهمی در سطوح بالای تصمیم‌گیری دارند، به طوری که یک زن اخیراً به عنوان نخست وزیر این کشور انتخاب شده است. همچنین زنان حضور چشمگیری در انتخابات پارلمانی سالهای ۱۹۹۶ و ۲۰۰۱م این کشور داشتند و توانستند ۳۰ کرسی مجلس را عهده‌دار شوند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این گزارش بیان فهم مشترک از سوی حزب حاکم و مخالف در مورد لزوم مشارکت زنان در فعالیتهای سیاسی است که منجر به صدور اعلامیه مشترک در این زمینه شد. انتخابات اتحادیه پاریشاد^{۳۴} از مهم‌ترین اتفاقات نشان‌دهنده مشارکت سیاسی زنان محسوب می‌شود که دولت از آن به عنوان انقلاب خاموش (ساکت) در این گزارش یاد

بود. براساس این لایحه، زنان بدون هیچ محدودیتی می‌توانند به داوطلب مورد نظر خود رأی دهند و به هیچ عنوان تابعی از مرد محسوب نمی‌شوند؛ این قانون در واقع واکنشی بود به نظام قدیم که مشارکت زن در امور سیاسی را محدود به حضور مرد می‌کرد. امروزه حضور زنان در سطوح بالای مدیریتی این کشور به شکل چشمگیری افزایش یافته است، به عنوان مثال برای اولین بار یک زن می‌تواند به عنوان معاون بانک مرکزی انتخاب شود و دو زن می‌توانند به عضویت شورای عالی اسلامی^{۲۷} درآیند.^{۲۸}

اندونزی: دولت اندونزی بدون هیچ اشاره‌ای به مفاد قانونی که به طور مستقیم از زنان در عرصه سیاست حمایت کند، اعلام می‌نماید که هیچ قانون تبعیض‌آمیزی در این زمینه وجود ندارد. با وجود این، زنان حضور اندکی در عرصه سیاست این کشور دارند و دولت تنها راه‌حل این مسئله را الزام گروههای سیاسی به مشارکت زنان در فهرستهای انتخاباتی می‌داند. علاوه بر این، کنگره ملی زنان اندونزی^{۲۹} تلاشهای خود را برای حضور زنان در ارکان قدرت آغاز نموده است. بنابراین علت حضور کم‌رنگ آنان، علاقه‌مندی به شرکت در سازمانهای مردم‌نهاد در زمینه رفاه عمومی است. از منظر این گزارش، زنان در جامعه حضور فعال دارند، ولی بیشتر مایل می‌باشند که در امور اجتماعی فعالیت داشته باشند تا سیاسی. به عبارت دیگر، فعالیت اجتماعی را مؤثرتر از فعالیتهای سیاسی می‌پندارند.^{۳۰}

اردن: دولت اردن اذعان می‌کند که زن یک شهروند محسوب می‌شود، پس او می‌تواند در تمامی فرایندهای سیاسی این کشور حضور فعال داشته باشد؛ زیرا دولت متعلق به همه‌ی اردنیها می‌باشد. این گزارش یکی از نمونه‌های بارز حضور زنان در حکومت را امکان داوطلب شدن آنان در انتخابات مجلس و شورای

31 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/JOR/1, pp.7&8.

32 . Makhallyas.

33 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/UZB/2-3, p.15.

34 . Union Parishad.

27 . The high Islamic council.

28 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/DZA/2, pp.20-23.

29 . The Indonesian women's national congress.

30 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/IDN/2-3, pp.33&34.



می‌کند؛ زیرا زنان با وجود مشکلات عدیده توانستند با مردان رقابت کنند و ۲۵ کرسی از ۱۱۰ کرسی را به خود اختصاص دهند.^{۳۵}

بنین: این کشور در گزارش خود اعلام می‌کند که در قانون‌گذاری خود همواره سعی داشته است که هیچ‌گونه محدودیتی را برای زنان در عرصه سیاست اعمال نکند، اما آمارهایی که ارائه می‌دهد، حاکی از این است که زنان نقش کم‌رنگی در سیاست ایفا می‌کنند، به طور مثال در پارلمان این کشور از میان ۷۲ نماینده، تنها ۵ نماینده زن هستند و یا در هیئت وزیران، تنها یک زن حضور دارد. دلایل حضور اندک زنان از منظر این گزارش عبارتند از: ۱. عدم اطلاعات کافی زنان برای مبارزه، به منظور به دست آوردن حق سیاسی ۲. نبود اعتماد به نفس کافی در میان زنان و سنت‌های فرهنگی موجود در این زمینه ۳. مخالفت مردان با ورود زنان به سیاست و نگاه بدبینانه به این موضوع ۴. عدم حمایت اقتصادی از زنان در عرصه سیاست.^{۳۶}

بورکینافاسو: زنان حدود ۵۱ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، با این وجود، حضور آنان در عرصه سیاست بسیار اندک است. به همین دلیل دولت با تأسیس دپارتمان بسیج و سازمان‌دهی زنان^{۳۷} در سال ۱۹۸۴م تلاش نمود با آگاهی‌بخشی به زنان، آنان را برای ورود به سیاست تشویق نماید. البته آمارهای ارائه شده در این گزارش، نشان می‌دهد که این دپارتمان چندان موفق عمل نکرده است؛ زیرا برای نمونه در انتخابات سال ۱۹۹۵م تنها ۱۹ زن توانسته‌اند به کرسی پارلمان دست یابند. همچنین ۱۰۰ سازمان غیردولتی در این کشور در زمینه سیاست، اقتصاد و بهداشت حضور فعال دارند که بخشی از فعالیتهای آنها

به زنان اختصاص دارد.^{۳۸}

بوسنی و هرزگوین: طبق قانون اساسی این کشور همه افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند در تمام فعالیتهای سیاسی این کشور مثل شرکت در انتخابات و کاندید شدن و ... حضور داشته باشند و هیچ‌گونه محدودیتی در این زمینه برای زنان وجود ندارد. بنابر قانون انتخابات مجلس بوسنی و هرزگوین، یک سوم از داوطلبانی که هر حزب سیاسی برای احراز پست نمایندگی به مجلس معرفی می‌کند، باید از زنان باشد. این قانون سبب شده است که مشارکت زنان در پارلمان این کشور به شکل چشمگیری افزایش یابد و به حدود ۴۰ درصد برسد. دولت بوسنی و هرزگوین در گزارش خود بیان داشته که استانداردهای نظام بین‌المللی حقوق بشر را به طور کامل به اجرا درآورده است.^{۳۹}

پاکستان: دولت پاکستان با استناد به مواد ۴۰ و ۹۱ قانون اساسی خود که شرایط احراز پست نخست‌وزیری و ریاست جمهوری را بیان داشته‌اند، اعلام می‌کند که هیچ محدودیتی برای زنان به منظور احراز این پستها وجود ندارد، البته شرط اسلام به نوعی تبعیض غیر مستقیم را برای زنان اقلیت دربر دارد. علاوه بر تضمینهای قانونی، دولت به شدت با افرادی که در برخی از مناطق این کشور زنان را از اجرای حق سیاسی (رأی) محروم کنند، به مقابله برمی‌خیزد. به همین دلیل، دادگاه عالی پیشاور در سال ۲۰۰۴م با صدور حکمی این موضوع را محکوم نمود، اما از ابطال انتخابات سال ۲۰۰۲م خودداری کرد و راه را برای برخورد با این بی‌قانونیها باز نمود. در پاکستان به طور سنتی یک زن همواره در کابینه مسئولیت وزارتخانه زنان، رفاه اجتماعی و آموزش خاص آنان را بر عهده دارد.^{۴۰}

38 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/BFA/2-3, pp.8-10.
39 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/BIH/1-3, pp.27-36.
40 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/PAK/1-3, pp.34-41.

35 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/BGD/5, pp.22-26.
36 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/BEN/1-3, pp.30-33.
37 . The Department for the Mobilization and Organization of Women.



تاجیکستان: ناظران بین‌المللی با برشمردن موارد متعدد نقض قانون انتخابات در سال ۲۰۰۰م، یکی از مهم‌ترین چالشهایی را که دولت تاجیکستان با آن روبه‌رو می‌باشد، پدیده رأی فامیلی^{۴۱} می‌دانند که یک نفر از اعضای خانواده به جای تمام افراد فامیل رأی می‌دهد. این موضوع با یکسان بودن امضا در برگه‌های رأی به ویژه در مناطق روستایی که به وسایل ارتباط جمعی دسترسی ندارند، راحت‌تر قابل شناسایی می‌باشد. بنابر ادعای این گزارش، دستور رئیس‌جمهور در سال ۱۹۹۹م به منظور ارتقای نقش زن در جامعه، تأثیر خوبی در بهبود وضعیت زنان گذاشته است، به طوری که اکنون ۳۰ درصد مشاغل عالی‌رتبه دولتی را بر عهده دارند.^{۴۲}

ترکمنستان: دولت ترکمنستان در گزارش خود، اعلام می‌کند: تمام استانداردهای بین‌المللی را در قوانین انتخاباتی خود رعایت کرده و به ویژه با اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۴م در قانون انتخابات خود اعمال نموده، جلوی هرگونه تبعیض مستقیم و غیر مستقیم علیه زنان را گرفته است. زنان در آخرین انتخابات مجلس این کشور ۵۰ درصد کل شرکت‌کنندگان را تشکیل می‌دادند که این امر باعث شد زنان نماینده در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در مجلس به عنوان معاون رئیس مجلس یا رئیس کمیسیون حضور فعالی در روند قانون‌گذاری داشته باشند. سازمانهای غیردولتی در این کشور بسیار فعال هستند که یکی از معروف‌ترین آنها قربان سلطان است که نزدیک به یک میلیون عضو دارد.^{۴۳}

ترکیه: به‌رغم اینکه از سال ۱۹۳۰م به بعد، زنان این کشور از حقوق سیاسی برابر با مردان برخوردار شدند، دولت ترکیه در گزارش خود اعتراف می‌کند که زنان هنوز نتوانسته‌اند مانند مردان از این حق بهره ببرند.

مهم‌ترین دلیل عقب‌ماندگی زنان در عرصه سیاست نداشتن قدرت اقتصادی کافی است که توان رقابت با مردان را از آنان سلب کرده است. به هنگام تدوین این گزارش ۲۲۱ سازمان غیردولتی در موضوع زنان و نقض حقوق آنان و پیدا کردن راهکار برای رفع آن فعالیت می‌کردند.^{۴۴}

توگو: متأسفانه زنان به علت کمی سواد و مشغول بودن به کارهای سخت خانه، چندان امکان حضور در مجامع عمومی و سیاسی را نمی‌یابند. دولت توگو تنها راه‌حل این مشکل را تشویق زنان برای فعالیت در امور سیاسی می‌داند؛ زیرا بیش از نصف جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند.^{۴۵}

تونس: دولت تونس از سال ۱۹۶۰م اقدامات مهم و اساسی را در جهت رفع هرگونه محدودیت نسبت به زنان شروع نموده، از این رو در قانون اساسی جدید این کشور، به صراحت از احزاب سیاسی خواسته است که هرگونه برنامه تبعیض‌آمیز براساس جنسیت را کنار بگذارند. با در پیش گرفتن رویه جدید دولت، حضور زنان در عرصه سیاسی به ویژه شوراهای محلی به شکل قابل قبولی افزایش یافته و از میزان ۱/۲۹ در سال ۱۹۵۷م به ۱۶/۵۵ در سال ۱۹۹۵م رسیده است. بنابر آمار این گزارش، هم‌اکنون ۳۵ هزار کارمند زن در اداره‌های تونس مشغول به کار می‌باشند.^{۴۶}

سوریه: زنان سوریه حضور پررنگی در احزاب سیاسی این کشور دارند، به طوری که حدود ۶۱۳۶۸۸ زن عضو حزب بعث می‌باشند. دولت سوریه در گزارش خود اعلام می‌کند که از سال ۱۹۷۵م تمام تلاش خود را انجام داده که زنان در تمام عرصه‌ها به ویژه سیاست و قانون‌گذاری حضور فعالی داشته باشند. کمیته ملی سوریه در امور خانواده از سال ۲۰۰۵م یک برنامه کامل و پیشرفته را به منظور شرکت دادن هرچه بیشتر

44 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/TUR/2-3, pp.42-49.

45 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TGO/1-5, pp.52-54.

46 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/TUN/3-4, pp.60-76.

41 . Family voting.

42 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/TJK/1-3, pp.15-21.

43 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TKM/1-2, pp.24-27.



زنان در امور قضایی و مجریه شروع نموده است.^{۴۷} عربستان سعودی: عربستان با استناد به اعمال نمودن حق شرط به هیچ از یک بندهای ماده ۷ کنوانسیون خاطر نشان کرده است که فرایند قدرت سیاسی برای زنان این کشور در حال شکل‌گیری و تبدیل شدن به یکی از موضوعات مهم و کلیدی است. این گزارش به واژه «شهروند» در ماده ۶ قانون مبنای استانهای عربستان تأکید زیادی کرده و آن را مشمول زن و مرد می‌داند، ولی در ادامه بیان می‌کند که زنان در اولین دوره انتخابات شهرداریها نتوانستند حضور یابند. اگرچه زنان از مهم‌ترین جنبه حق سیاسی یعنی حق رأی و داوطلب شدن محروم مانده‌اند، اما در دیگر بخشها مانند شورای مشورتی که توسط پادشاه تشکیل می‌شود، حضور دارند. علاوه بر این ۲۵ درصد از اعضای سازمان ملی حقوق بشر عربستان را نیز زنان تشکیل می‌دهند. بنابر ادعای این گزارش زنان این کشور در زمینه‌های مختلفی فعالیت دارند، به عنوان مثال زن به عنوان شورای روزنامه‌نگاران سعودی انتخاب شده است.^{۴۸} عراق: اگرچه عراق بعد از جنگ خلیج فارس مورد هجوم شدیدترین تحریمهای اقتصادی از سوی سازمان ملل قرار گرفت، اما در وضع سیاسی زنان به هیچ‌وجه تغییری حاصل نشد. در زمان تدوین این گزارش، ۱۷ زن در مجلس حضور داشتند که دولت عراق آن را شاهد مثالی برای حضور زنان در تمامی فرایندهای قدرت قلمداد می‌کند. هیچ حزب سیاسی در این کشور وجود ندارد که به طور خاص به مسائل زنان بپردازد، علاوه بر آن نبود سازمانهای غیردولتی نیز تناقض آشکار دولت را بیشتر نمایان می‌کند و زنان در عراق تنها می‌توانند در قالب انجمنهای صنفی به فعالیت بپردازند.^{۴۹}

کامرون: زنان این کشور در تمام صحنه‌های انتخاباتی مانند ریاست جمهوری، مجلس و شهرداریها حضور فعال و چشمگیری دارند. به عبارت دیگر، فضا را تنها برای مردان باز نکرده‌اند. با در نظر گرفتن آماری که دولت کامرون ارائه کرده، مشارکت زنان در طول چهار سال، از ۱۱ درصد به ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۲ م رسیده است که نشان از بالا رفتن فهم مشترک در میان زنان دارد.^{۵۰}

کویت: بنابر دستور امیر کویت در سال ۱۹۹۹ م مقرر گردید که زنان نیز مانند مردان از تمام حقوق سیاسی مانند حق رأی و انتخاب شدن بهره‌مند شوند، اما با طرح این موضوع در مجلس ملی، اکثریت نمایندگان به آن رأی منفی دادند، در نتیجه، این دستور ارزش قانونی خود را از دست داد. یکی از دلایل رد این طرح، وجود اختلافات شدید بین نمایندگان در مورد قانون اساسی و نحوه تفسیر آن بود. در گزارش دولت کویت آمده است که زنان در سطوح بالای مدیریت دولتی مانند عضویت در هیئت رئیسه شرکت هواپیمایی کویت حضور دارند، علاوه بر آن بسیاری از شرکتهای خصوصی تجاری نیز به وسیله زنان اداره می‌شوند.^{۵۱}

گینه: دولت گینه در سال ۱۹۹۴ م اداره ارتقای زنان را تأسیس نمود که مهم‌ترین وظایف آن عبارتند از: ۱. نظارت و آماده کردن مواد قانونی که به امور اجتماعی زنان مربوط است ۲. تهیه و تدارک امکانات مالی برای گسترش فعالیتهای سازمانهای غیردولتی که حوزه فعالیت آنان مرتبط با زنان است. براساس این گزارش، حمایت دولت از سازمانهای غیردولتی موجب شده است که تعداد زیادی از زنان در انتخابات سال ۲۰۰۲ م داوطلب شوند.^{۵۲}

گویان: زنان در کشور گویان در بالاترین سطح تصمیم‌گیرهای سیاسی کشور حضور دارند، به عنوان

50 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/CMR/3, pp.26-32.

51 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/KWT/1-2, pp.28-33.

52 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/GIN/4-6, pp.21-24.

47 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/SYR/1, pp.38-43.

48 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/SAU/2, pp.23-26.

49 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/IRQ/2-3, p.56.



مثال تا سال ۲۰۰۰م ۱۲ زن عضو مجلس بودند، اما در انتخابات بعدی این تعداد به ۲۰ نفر رسید. چهار وزیر زن در هیئت دولت حضور داشتند که این دو آمار نشان از ارتقای نقش سیاسی زنان در کشور گویان دارد که به شکل مناسبی در حال افزایش است.^{۵۳}

لبنان: هرچند در لبنان هیچ قانونی وجود ندارد که موجب تبعیض بین زن و مرد در دستیابی به قدرت سیاسی بشود، اما دولت در گزارش خود اذعان می‌کند که فرهنگ مردسالارانه جامعه لبنان هنوز نتوانسته زنان را به عنوان یک رهبر سیاسی بپذیرد، این امر مستلزم گذشت زمان و ارتقای حقوق سیاسی می‌باشد. یکی از عرصه‌هایی که به طور چشمگیر در کشور لبنان وجود دارد، سازمانهای فعال غیردولتی در زمینه حقوق بشر می‌باشد که نقش بسزایی در ارتقای فعالیت سیاسی زنان بر عهده دارند. مهم‌ترین این فعالیتها به این شرح است: ۱. سفر به نقاط مختلف کشور لبنان به جهت آگاهی بخشی و تشویق زنان به شرکت در انتخابات و فعالیتهای سیاسی ۲. مبارزه با بی‌سوادی زنان ۳. تلاش به منظور تصویب قوانینی که به زنان فرصت مناسب برای حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی بدهد. متأسفانه با وجود این فعالیتهای، میزان مشارکت زنان در احزاب سیاسی مهم در لبنان مانند ملی‌گرا، حزب الله و امل بسیار اندک و تنها محدود به امور انسانی و اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر، زنان از رهبری سیاسی در لبنان کنار گذاشته شده‌اند.^{۵۴}

لیبی: براساس اعلامیه «قدرت مردم» همه امور در این کشور از جمله قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در عرصه داخلی و خارجی توسط کنگره مردم و خلق انجام می‌شود.^{۵۵} عضویت در این کنگره برای

عموم مردم آزاد بوده و هیچ‌گونه محدودیتی در این باره نسبت به زنان وجود ندارد. در کنگره مردم و خلق همواره به زنان اجازه داده می‌شود که درباره مشکلات و موانعی که پیش روی آنان است، آزادانه صحبت کنند. البته دولت لیبی اشاره می‌کند که بیشتر مسائل حاد زنان به دوران استعماری بازمی‌گردد که آنها را دور از اجتماع نگه داشته است.^{۵۶}

مالزی: زنان پس از استقلال این کشور از تمامی حقوق سیاسی برخوردارند، بی‌آنکه در این زمینه محدودیتی از منظر قانون وجود داشته باشد، اما میزان مشارکت سیاسی در این کشور چندان راضی‌کننده به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در انتخابات مجلس در سال ۲۰۰۰م تنها ۱۰ درصد از کرسیها به زنان اختصاص یافته بود. به نظر می‌رسد عدم حمایت احزاب تأثیرگذار از زنان برای ورود به عرصه سیاست مهم‌ترین دلیل عدم توفیق آنان است. دولت مالزی اعلام می‌کند با اینکه زنان در یک سوم اقتصاد کشور نقش دارند، اما در سطوح بالای مدیریتی چندان حضور ندارند.^{۵۷}

مالدیو: دولت مالدیو در یک گزارش کوتاه بیان می‌کند که زنان حق مشارکت سیاسی را در این کشور دارند، ولی با این وصف، در مجلس ۵۰ نفری، تنها سه زن حضور دارند. این آمار کم نشان از حضور ضعیف زنان در عرصه سیاست دارد، هرچند بنابر ادعای این گزارش، سازمانهای غیردولتی در این کشور بسیار فعال هستند.^{۵۸}

مراکش: دولت مراکش با تأسیس مرکز مردم‌سالاری برای زنان در کازابلانکا تلاش نموده است که مسائل سیاسی را از دید زنان بررسی نماید. مهم‌ترین هدفی که این مرکز برای خود ترسیم نموده، راه‌یافتن زنان به مراکز مهم تصمیم‌گیری سیاسی است. با وجود این، تا سال ۱۹۹۴م اتفاق درخور توجهی در حوزه زنان در این کشور رخ نداد، تا اینکه برای نخستین بار در

56 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1999, cedaw/c/LBY/2, pp.15-20.

57 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/MYS/1-2, pp.32-42.

58 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1999, cedaw/c/MDV/1, p.9.

53 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/GUY/3-6, p.29.

54 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/LBN/1, pp.13-15.

۵۵ . این گزارش در زمان دیکتاتور سابق لیبی محمد قذافی تدوین شده است.

این سال یک زن به عنوان رئیس مرکز افراد ناتوان منصوب شد.^{۵۹}

مصر: دولت مصر در گزارش خود با استناد به ماده ۶۵ قانون اساسی، شرکت در فرایند سیاسی را برای کلیه اتباع خود یک وظیفه ملی تلقی می‌کند. علاوه بر قانون اساسی، از اصطلاحاتی در قانون احزاب سیاسی سال ۱۹۷۰م سخن به میان می‌آورد که هرگونه ایجاد شرایطی تبعیض‌آمیز در میان اعضا را ممنوع کرده است. براساس ماده ۲۵ قانون اساسی، هر مصری حق دارد انجمنهای غیردولتی در حدودی که قانون ترسیم نموده، ایجاد نماید. سیاست دولت مصر در مورد سازمانهای غیردولتی مبتنی بر تشویق زنان در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی است.^{۶۰}

موزابیک: دولت موزابیک اعلام می‌کند که قانون اساسی این کشور حق دخالت زنان در امور سیاسی را به رسمیت شناخته است. برخی از سنتها، نقش مادری و نگهداری از فرزندان به زنان اجازه نمی‌دهند همانند مردان به طور مستمر در عرصه سیاسی و عمومی ظاهر شوند. البته بنابر آمار این گزارش، حدود ۳۱/۲ درصد نمایندگان این کشور را زنان تشکیل می‌دهند که نشان از تلاش دولت برای ارتقای وضعیت سیاسی زنان دارد. با در نظر گرفتن نقش نسبتاً خوب زنان در قوه مقننه، متأسفانه در قوه قضاییه حضور آنان کم‌رنگ‌تر است.^{۶۱}

موریتانی: در سال ۲۰۰۳م یک زن در موریتانی برای احراز سمت ریاست جمهوری داوطلب شد. حضور زنان در سیاست این کشور تنها به این ختم نشد و هم‌اکنون چهار زن در هیئت دولت به عنوان وزیر مشغول به کار می‌باشند. در زمینه اشتغال و کار هم زنان موریتانی دوشادوش مردان به کارهایی مانند آتش‌نشانی، نیروی دریایی و ... که معمولاً مردانه

تلقی می‌شوند، می‌پردازند.^{۶۲}

نیجریه: دولت نیجریه در گزارش خود اعتراف می‌کند که به‌رغم تمام تلاشهای آگاهی‌بخش دولت به منظور تشویق زنان برای حضور در عرصه‌های سیاسی و عمومی این کشور، متأسفانه زنان حضور چندانی در این عرصه‌ها ندارند. هرچند که بعد از دو دهه از امضای این کنوانسیون، اقدامات نسبتاً خوبی برای مشارکت بیشتر زنان در فرایند قدرت سیاسی از سوی دولت انجام شده است، اما در گزارش سال ۲۰۰۱م حکومت به صراحت اعلام کرد که زنان هنوز این توانایی را از خود بروز ندادند که در یک شرایط برابر به رقابت با مردان بپردازند. نمونه بارز این ادعا میزان حضور زنان در کنگره نیجریه است: در سال ۱۹۸۳م از میان ۹۵ سناتور تنها یک سناتور زن در این کنگره بود، ولی در انتخابات بعدی با افزایش دو کرسی به سه نفر رسید.^{۶۳}

یمن: دولت یمن در برنامه پنج ساله دوم تلاش دارد نقش سیاسی زنان را در کشور بهبود بخشد. تاکنون سه همه‌پرسی درباره قانون اساسی در این کشور برگزار شده است که زنان در آن حضور فعالی داشته‌اند. در آخرین انتخاباتی که در یمن برگزار شد، حدود ۴۰ درصد از زنان واجد شرایط در انتخابات شرکت کردند. این میزان پیام روشنی برای احزاب سیاسی فعال در یمن بود که نمی‌توانند نقش زنان را در حوزه قدرت نادیده بگیرند. اما متأسفانه زنان از حضور در سمتهای بالای اجرایی در این کشور محروم هستند و تنها یک زن در سال ۲۰۰۱م به سمت وزیر زنان منصوب شد.^{۶۴}

ارزیابی گزارشها

نظام بین‌الملل دو راهبرد کاملاً متفاوت و مجزا نسبت

62 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/MRT/1, p.26.

63 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/NGA/4-5, pp.23-30.

64 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/YEM/5, pp.32-36.

59 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/MOR/2, pp.14-20.

60 . Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/EGY/3, pp.27-30.

61 . Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/MOZ/1-2, pp.28-31.





به سنجش وضعیت حقوق بشر در کشورها در پیش گرفته است. کمیسیون منع تبعیض علیه زنان نیز روش ارائه گزارش از سوی دولتهای عضو را مبنای سنجش میزان تعهد آنها به مفاد کنوانسیون در نظر گرفته و دیگر روشهای ارزیابی مانند عرض حال و گزارش ویژه را فقط برای موارد خاص در دستور کار خود قرار داده است. اصلی‌ترین اشکالی که می‌توان بر روش گزارش‌دهی گرفت، این است که دولتهای عضو تصویر کاملاً مثبت و رو به جلو از خود ارائه می‌دهند، به گونه‌ای که نقض حقوق زنان در این گزارشها یک امر نادر تلقی می‌شود.

نمونه بارز این تصویر، کشور عربستان سعودی است که تا قبل از سال ۲۰۰۱م هیچ انتخاباتی را تجربه نکرده و هیچ‌گونه جنبش سیاسی که زنان در آن نقش داشته باشند، در این کشور رخ نداده است. علاوه بر این، درصد کم حضور زنان در مراکز مهم تصمیم‌گیری و اجرایی که در لابه‌لای گزارشها به آن استناد شده، یکی از محوری‌ترین معیارهایی است که وزنه سیاسی زنان را در جوامع اسلامی به ما نشان می‌دهد.

استناد فراوان دولتهای عضو به مواد قانونی، درک ضرورت روند قانونی در سطح ملی را نمایان می‌کند، ولی سؤال اصلی این است که قوانین متعدد و اصلاحات به عمل آمده، چقدر توانسته است حق مشارکت سیاسی زنان را ارتقا دهد؟

آمارها حاکی از آن است که تنها قانون به خودی خود نمی‌تواند برابری سیاسی را برای زنان به ارمغان بیاورد، بلکه حمایت از قانون مهم‌تر می‌باشد که در بیشتر گزارشهای کشورهای اسلامی نشانی از آن دیده نمی‌شود. تنها در گزارش کشور پاکستان ما شاهد حرکت به این سو هستیم، ولی نباید فراموش کرد تصویب قانون، حمایت و تضمین اجرای آن به مثابه دو روی سکه هستند و در صورتی که نتوان به یکی از آنها جامه‌ی عمل پوشاند، دیگری نیز تأثیر چندانی نخواهد داشت. برداشت صحیح و منطقی از

مفهوم دموکراسی جز با مشارکت تمام آحاد یک ملت بدون تبعیض در جنسیت محقق نخواهد شد. پس در دموکراسی دستوری که از سوی مقامهای بالا به توده مردم تجویز و در آن، ضرورت حضور زنان از سوی حاکم تشخیص داده می‌شود، نه از قاطبه مردم، نمی‌توان دورنمای خوبی از جامعه مردم‌سالار به معنای واقعی تصور کرد. مطلب فوق در گزارش کشور کویت بسیار مشهود است. در مقابل روش کویت، دولت بوسنی با تصویب قانونی، احزاب را ملزم کرده است که یک سوم فهرستهای انتخابات خود را به داوطلبان زن اختصاص دهند، به نظر می‌رسد این شیوه حمایتی کارآمدتر است؛ زیرا حضور زنان را در اهرم قدرت به تدریج نهادینه می‌کند.

نکته جالب توجه این است که بیشتر کشورهای اسلامی عضو، وجود فرهنگ، آداب و رسوم، بی‌سوادی، کم‌سوادی و کمبود اعتماد به نفس را مهم‌ترین علت عقب‌ماندگی زنان در عرصه سیاست معرفی می‌کنند. حال اگر به فرهنگ اسلامی مراجعه کنیم نه تنها چنین استنباطی از سیاست به دست نمی‌آید، بلکه عکس آن ثابت می‌شود. در دیگر موارد نیز تنها مقصر جامعه مردسالار نیست، بلکه نوک پیکان به سوی دولتها است که چرا زنانشان در سالیان متمادی از آموزش برابر با مردان محروم بوده‌اند. حکومت‌های مستبد و دیکتاتور در سرتاسر قلمرو اسلامی با شکل و ظاهر دموکراتیک یا غیر آن حق تعیین سرنوشت را از ملتهای خود سلب کرده‌اند، ولی ما در یک نگاه تبعیض‌آمیز تنها زنان را دارای صفت کمبود اعتماد به نفس می‌شناسیم، در حالی که مردان نیز در این کمبود سهم یکسانی با زنان دارند.

تأسیس برخی مؤسسات تحقیقاتی ویژه زنان و حمایت از سازمانهای غیردولتی مرتبط با آنان می‌تواند گام مثبتی در جهت یافتن موانع و مشکلات پیش روی آنان در اختیار افکار عمومی قرار دهد، به ویژه در گزارش کشور مراکش یکی از مراکز

تحقیقاتی دغدغه‌های خود را بازتعریف سیاست از منظر زنانه بیان می‌کند که در نوع خود می‌تواند مفید واقع شود. یکی دیگر از مشکلاتی که زنان در جوامع اسلامی با آن روبه‌رو می‌باشند، نبود نظام هماهنگ در شیوه مشارکت سیاسی آنان در اهرم قدرت می‌باشد. این امر از یک سو، به عدم درک کافی از لزوم نقش‌آفرینی زنان در این عرصه برمی‌گردد، به گونه‌ای که در کشورهایی مانند عربستان سعودی و کویت که نظام سلطنتی در آنها حاکم است، هنوز نگاه کاملاً سنتی و تبعیض‌آمیزی خود را حفظ کرده‌اند و در این امر انعطاف نشان نمی‌دهند. از سوی دیگر، بسیاری از کشورهای اسلامی دارای سابقه سیاسی درخور توجهی نیستند و بیشتر مناسبت‌های سیاسی خود را وام‌دار استعمارگرایان هستند که برای رسیدن به برخی از اهداف، زمینه این مشارکت را برای زنان در حکومت‌هایی با ظاهر جمهوریت رقم زده‌اند، مانند کشورهای مصر و تونس قبل از تحولات اخیر در منطقه.

متأسفانه هیچ‌یک از کشورهای اسلامی که نظام سیاسی آنان با تغییرات عمده و مبنایی مواجه شده، تاکنون گزارشی از وضعیت زنان بعد از انقلاب به مجامع بین‌المللی به ویژه کمیسیون منع تبعیض علیه زنان ارائه نداده‌اند. با در نظر گرفتن گرایش توده مردم به حاکمیت اسلام و پیروزی احزاب اسلام‌گرا، انتظار می‌رود که ظلم تاریخی که از سوی حاکمان دست‌نشانده به زنان اعمال شده، در این برهه جبران شود و اشتباهات گذشته به هیچ‌وجه تکرار نشود.

برخی از کشورهای اسلامی هم با در نظر گرفتن مدت عضویت خود در این کنوانسیون، باید حداقل یک گزارش ارائه می‌دادند که تا این لحظه مبادرت به این کار ننموده‌اند. این موضوع بیانگر بی‌تفاوتی آنان نسبت به حقوق زنان در جوامع خود و عدم اعمال فشار از سوی نهادهای بین‌المللی است. برخورد دوگانه مراکز بین‌المللی با کشورهایی که آشکارا تعهدات خود

را نقض می‌کنند، یکی از مهم‌ترین موانعی است که پیشبرد حقوق بشر را در جهان به مخاطره انداخته است و این موضوع را به اذهان عمومی القا می‌کند که حقوق بشر تنها وسیله و آلتی در دست قدرتهای فرامنطقه‌ای و جهانی است.

نتیجه‌گیری

جهانی شدن آرمان حقوق بشر در دنیای امروز، حکومتها را واداشته است که به حقوق از دست رفته مردم خویش اعتراف و در احقاق و پاسداشت آن تلاش نمایند. واقعیت تلخ و انکارناپذیر تنیدگی سیاست و حقوق بشر موجب شده که ما شاهد از دست رفتن ابتدایی‌ترین حقوق مردم در برخی از کشورهای اسلامی باشیم، بی‌آنکه صدای اعتراضی از سوی نهادهای ناظر در این باره به گوش برسد. آن سوی این جریان، نظامهای مستقل در منطقه خاورمیانه مانند جمهوری اسلامی ایران، مورد شدیدترین حمله‌ها علیه رعایت نکردن حقوق بشر قرار می‌گیرند. حق سیاسی به ویژه برای زنان از رویه موجود در جامعه بین‌الملل مستثنی نیست. تا زمانی که قدرتهای تأثیرگذار در عرصه بین‌المللی با در نظر گرفتن منافع خود از حکومت‌های ارتجاعی و خودکامه حمایت می‌کنند و چشم خود را بر هرگونه جنایت بر ضد بشریت می‌بندند، نمی‌توان دورنمای خوبی را برای پیشبرد حقوق سیاسی به خصوص نسبت به زنان تصور کرد. گزارشهای کشورهای اسلامی به حضور زن در عرصه سیاست تأکید و اذعان دارند، اما کم‌رنگ بودن نقش آنان نشان می‌دهد که اراده چندانی برای دادن نقش محوری به زنان از سوی دولتها وجود ندارد. مطلب اساسی دیگر، نبود تعریف درست از مشارکت سیاسی بر مبنای فرهنگ بومی هر کشور است. به عبارت دیگر، چه سازوکاری را باید دنبال کرد که تلفیق فرهنگ بومی و مفاهیم سیاست نوین در مقیاس بین‌المللی نتیجه دلخواه را





بدهد که همان برابری سیاسی بین زن و مرد به معنای واقعی کلمه است. تا زمانی که کشورهای اسلامی در گزارشهای خود به این مقوله توجه و اهتمام نداشته باشند و تنها به پیروی سطحی و وارداتی از مدل‌های غربی آن هم به طور ناقص ادامه دهند، نباید انتظار افق روشنی از جوامع اسلامی برای احقاق حقوق سیاسی زنان داشت. امید است که تحولات اخیر در جهان اسلام به ویژه شمال آفریقا هرچه بیشتر موجب ارتقای حقوق زنان شود.

برای ارتقای مشارکت سیاسی زنان، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. تخصیص بخشی از فهرست انتخاباتی یا کرسیهای پارلمان یا شوراهای محلی به زنان در هر دوره از قانون‌گذاری.
۲. آموزش ضرورت مشارکت سیاسی زنان در مدارس و تبلیغ آن توسط رسانه‌های جمعی و گروهی.
۳. حمایت احزاب پرنفوذ و قدرتمند از زنان برای مشارکت سیاسی در جامعه.
۴. لزوم فراهم نمودن شرایط رقابت سیاسی برابر زنان با مردان توسط دولت، به طور مثال مبارزات انتخاباتی زنان را به طور ویژه تأمین مالی نماید.

کتابنامه

- قرآن کریم.
الف) کتب فارسی
- پاملا آبوت، والاس کلا، *جامعه شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۹۱ ش.
- جان، ام.دان، *عصر روشنگری*، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
- رزمی، تانگ، *تقد و نظر درآمدی بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- سید باقری، سید کاظم، *فقه سیاسی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- شریعتی، روح الله، *قواعد فقه سیاسی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- فریدمن، جین، *فمینیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران، آشتیان، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
- لیست، سیمور مارتین، *دائرة المعارف دموکراسی*، ترجمه کامران فانی و نورالله مرادی، تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ ش.
- مشیرزاده، حمیرا، *از جنبش تا نظریه اجتماعی تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران، شیرازه، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.
- ب) کتب عربی
- آصفی، محمدمهدی، *ولایة الامر*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
- ابن‌قدامة، *بدایة المجتهد و نهایة المقتصد*، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۴۳۱ ق.
- ج) کتب انگلیسی
- Binion, Gayle, *Human rights quarterly*, vol.17, Maryland, the John Hopkins University press, 1995.
- Hickman, tom, *Public law after the human rights act*, London, oxford & Portland, 2010.
- J.peter & A.wolper, *Women's right, human rights: International feminist perspective*, London, Rutledge, 1995.
- Margot, Badran, *Feminism in Islam*, England, one world publication, 2005.
- Ronagh, j.a.Mcquigg, *International human rights law & domestic violence*, New York, Rutledge, 2011.
- Thakur, ramesh, *The responsibility to protect*, London, Rutledge, 2011.
- د) مقالات انگلیسی
- Al-Natour, manal, "the role of women in Egyptian 25 January revolution", *Journal of International Women's Studies*, Vol.13#5, 2012.
- Karolak, Magdalena, "bahranini women in the 21 century: disputed legacy of unfinished revolution", *Journal of International Women's Studies*, Vol.13#5, 2012.
- Rampton, Martha, "the three waves of



- discrimination against women, 2003, cedaw/c/KWT/1-2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/BGD/5.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/MYS/1-2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/TJK/1-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TKM/1-2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/YEM/5.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/PAK/1-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/TUN/3-4.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/SYR/1.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/MRT/1.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/MOZ/1-2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/MOR/2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/GUY/3-6.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/GIN/4-6.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TGO/1-5.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/BEN/1-3.
- HRI/GEN/REV/ADD2, International human rights instrument, Compilation of Guidelines on the Form & Content of Reports to be Submitted by States Parties to the International Human Rights.

- www.un.org

(و سایتها

- feminism", in: www.myacp.com.
- Shrief Abdel Azee, "women in Islam versus women in the Judeo-Christian traditional".
- Sika, Nadine, "The Role of Women in the Arab World: Toward a new wave of Democratization, or an Ebbing Wave toward Authoritarianism?", Journal of International Women's Studies, Vol.13#5, 2012.
- Valentine, M.Moghadam, "Global feminism & women's citizenship in Muslim world", in: www.yale.edu.

همه اسناد

- Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/EGY/3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/IRQ/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/JOR/1.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/IDN/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/TUR/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1999, cedaw/c/LBY/2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1999, cedaw/c/MDV/1.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/BFA/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/SAU/2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/UZB/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/AZE/2-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/BIH/1-3.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/LBN/1.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/NGA/4-5.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/ALB/1-2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/DZA/2.
- Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/CMR/3.
- Committee on the elimination of